

اولاً بعضی گفتند که یک عدد طلا در هر قسم هر یک صاجی این زرد را
 بر طبق رادرت نفع دهد، در ضمن نقشه آن هم اطلاع رسی بدست
 عینه ایران بر منرد اگر سنج بود در ربع هر صد هزار در آن لغز آن هر چه بود
 عینه خواهد آمد و در آن رادرت با طلا است، نیمه روز بعد از آن
 انچه لغز آن برسد و صاج آن این زمین در رادرت خون ک
 اطلاع بر منرد، این گفتند که سراج است، غیر و منطور، بعضی
 خونانی در خصوص سراج آن گفتند
 تا صاجات این زمین در سراج معدن خاک در زمین
 طلا، نخبه خاک در حیات عمر بر هر چه باشد، در کوه فیض
 سر زده هزار گالی، اشرفی، قرآن سراج ایران بر دست
 بر منرد آن منع با بر لغز آن وجه الفی نه در است ادا حقوق
 ذکر می شود همین در برابر در جرایم اصول استقرار، هر دو

تألی صاحبك ایضا یک حق و عیادت از نصف زمین معین است
 بر دولت عینه خوانند و دادار حقوق باید در هر کس بعد از اینهمه در
 هر شئی که کند

رابعاً در بار وجه الفضا نه فوق الذکر را بجه منظور خواهد بود در هر صورت در
 هر کس که در تریحان این زدند و میگویند، اسکمه ای منفعت را در اینجا
 در هر کس که بعد از بر دولت عینه خوانند و عیادت

فصل وجه الفضا نه در آخر است ایضا صاحبك این زدند و حق هر دو
 بعد از اسکمه صاحبك ایضا زکات عمر است و حجاج خود را بر دولت عینه اطوع
 در در صورت، بر تمام ابواب دولت است و حجاج مسدود از خود کرد

و سن یک ریختن از آن کس و داده شد
 سادش در هر کس صاحبك ایضا در الزام است که از ما هر ضرر که
 و ضرر از اسکمه معادن کثرت بریم و در در معادن اطوع از هر کس
 در تریحان و هر کس که بخواهد در این معادن باشد

فرزده بردت عینه لعل خواهر گرفت

س بقصه جان این زمره اند فوراً سر از دلون دمه الفیه نه شروع
 اشراج عینه بردت عینه کیمف، مور، خیزن، مور خواهر گرفت
 برار کیمف عینه اشراج و نیمین در خصوص بیست و دو فرزند
 آنها بزودن انتم ان، مور، مورین حتی دایه با نهم در کارهای
 راجعه با اشراج مراغه عینه سید مراحب، برادر در هر صدگان در
 شروع کیمف رعیان کیمف بعد که به المنع از فرقه خواهر نیمین هرگاه
 عینه اشراج ابا کیمف مور، مور، مور، مور، مور، مور، مور
 سین و دلم خواهر و منع مراحب که در خود فریغ عینه مور خواهر گرفت
 و در صورت پیردانی انم مراحب که از وقت تمام وجه انم
 با نفی م صبر نیست عینه عینه عینه خواهر بردت ان کیمف
 رز و وجه الفیه نه فوق الدکر بر خواهر دانت

تأیید تمام نوشته‌هاست و محبت است اینها رجه در خصوص اشخاص مسدود در
مصرفات دفتر بهر در دفتر و او را ان شرح بانکه جانب فرزند
یا مورث در جانب این است باشد

(فصل چهارم)

درست عتبه اراکین معهوده مراتب خود را در تیس امرات باین
صانک این زمانه کفیم در تحت حمایت خود اطمینان بر همه در صورت کفیم
نوک صانک اینها ز در کمال اراکین برانند بجز کفیم است بهر وجه
و امراء است لازم در خصوص از طرف سراسر اسباب در نوع لازم داده

دکتر خواجه

(فصل پنجم)

عمدتاً تجسس در اشخاص مسدود بهر وجه مانع از عمل نجات و ایام است
نخواه دولت سراسر

(فصل ششم)

صانک اینها ز مرتبه در خصوص کفیم سراسر است شرط برانهم فوراً برود



وزارت
تعلیم و تربیت
جمهوری اسلامی ایران

و لیجان این حقوق خوش کن را بدین افعال کثرت عیب هر
 غیرانند و اگر در دین بفرودند

(فصل هفتم)

درت این این ز نامه ضره بجای کت در یک پنج سال در است
 تاریخ اینها را بفرار از محراب خواهد هر مهند این این از سر لدر
 لدر در به عقب رس قط خواهد بود اگر فایده صجان این ز در این
 در سال سدی که انت ف کتم و به الفی نه ذکر که در فصل سوم خواهد

(فصل هشتم)

در صورت راع و کتوی را به به جوار از سر از نامه ضره بکلیت
 حکم هر یک از طریق لعین بنده؛ شرعاً مسلم بود خواهد هر در هر
 عدم اتفاق اند و نفر حکم لعین حکم دیگر خواهد نمود و اگر در لعین حکم
 دیگر اتفاق نمود در وقت انبیا حکم با صلوات بر محمد و آله
 اثر ف صدارت عظمی بر علم و جاب فی نصیب و زرفی را الهی خواهد

فصلی در برزخ و در نورست من دنی فریم

(فصل ششم)

عموم کارکردن و عجب است آنست که در سوره است علیه ایراد خواهد بود
 که مسیحا در آنجا ضلکهار که عمره از خارجه بی نشود در هر رستم از رستم
 علیه ایراد بر رجاست که اگر آن عمره در قیامت بر او آید منتهی
 انما بسا بر نعم خارجه مزاج خواهد بود

(فصل هفتم)

صاحب که این از مسجد نمود اولاً در هر رستم عیاد که آمدن سید محمد بازم
 فرزند دولت علیه ایران اطلاع بر ایشان تا هرگاه آن عید در دست
 حوالی از حد نزدیک و از هر لغت بر در کتب و نیز در دست که از مسجد
 اشراج شراستی بعد از هرگاه بر روی در نصرت و در منتم هر
 با نسن طلا در زیم از یک تمثال طلا یافت شود صاحبان این من
 نمی نیره مسجد که نزدیک بود که بگویند وجه آنست که دولت علیه

در آن صورت است که با حالات و احوالات ضعیف و اینهمه و غیره
 صاحب ک این زرا بروک استن و بعضی در نظر مریضین باشند
 از آنها خبر دردی نمی شود درگاه احوال در بر آوردن فمردان هم نظر
 مریضین هم از بعد مریضی که در این وقت در فمردان
 مریضین است بعضی خواهی بود و بعضی هم از جهت است این
 انچه که صاحب ک این زور در است در است عمده مریضین
 می رانند از یکجهت در امی و زکوه و سنجو هر مریض را در محیط
 این زکوه این زمره در همین است و همین برای لطیف بار طوی
 روفانه است نه عراق که در کوه معروف می رانند و بار
 طوی زکوه در جمع کرده زردمانی بعد صاحب ک این زکوه
 (فصل ششم)

چون در عجب مادی طوی مریضی که فمردان؛ طوی است

درت عینه بصاحبه ان زاجا زه در شرح و در شرح حدیث مستخرج از رساله
 سیرت خفا ان کتب معدیه نفیره مخفی با طلا درسته باشد یا تراسته باشد
 وی در صورت نفیره مخفی با طلا بافت تصحیح ان در رساله سیرت خفا
 بروت عینه اطلاع بر سیرت الطهره در ذوق بر اری رسیده ذکر شده اینها
 بر عی رسیده که طلا فقط بر لب ر طلا فقط سیره بر تا بر اری رسیده
 (فصل چهارم)

در مهرت عدم مط لفت بر همه فرانسه بان بر ترجمه فارسی مستخرج از
 عظم

نقود لکون داد و دهها
 انم ادب نام خود و سلام فرستاده و
 با که در او و در کسم الحان رسیده از
 انم از موعده نام فرستاده از



شماره سند: ۱۲۹

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: در باب فروش حق مسیو کودروسکی^۱ از قرارنامه تجسس و انکشاف طلای ایالت
خمسبه به شخصی دیگر.

تاریخ: ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۹ هـ ق مطابق با ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۱

متن سند:

یادداشت

امتیاز نامه معدن طلای کاوند از طرف دولت علیه ایران به مسیو کودروسکی متوفا تبعه دولت آلمان و به میرزا محمد علی ولد حاجی معین التجار مرحوم رشتی تبعه دولت علیه ایران اعطا شده بود که مسیو کودروسکی وفات کرد. اینک برای استعلام به مقام مزاحمت برمیآید که آیا دولت علیه ایران میل دارند که مفاد فصل ششم آن قرارنامه را (صاحب این امتیاز نامه مجاز است با کس دیگر شریک بشود، بشرطی که بدو به دولت علیه ایران اطلاع بدهد ولی نمی تواند حقوق خود را بدون اطلاع و اجازه دولت علیه ایران به کس دیگر بفروشد) اجازه بدهند، تا در صورت امکان حقی که مسیو کودروسکی متوفا از این امتیاز دارد فروخته بشود؟ سفارت امپراطوری آلمان محترماً از وزارت خارجه مستدعی است که هر چه زودتر جواب این فقره را مرقوم فرمایند، تا استحضار حاصل گردد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

- جناب اشرف اتابک اعظم، شراکت ضروری ندارد ولی فروش تبعه خارجه را مجاز

نخواهند بود. شهر جمادی الاولی ۱۳۱۹

۱۹۰۱
۱۱
۱۹
۱۹۰۱

Kaiserlich
Deutsche Gesandtschaft
für Persien.

بسم الله الرحمن الرحيم
اینجانب رسد نطقه که در طرف راست عمده ایران میسر شود در یک توپا تبصره در این
درینا مجموع لبر هر سفین آنها در هم در شریعت مقرر نموده اند بطلاند بود در هر کورده
دنا سو کو یک بار ششتم تمام از جهت بر آید و این در عمده ایران میسر داند
در بغداد نصرت ششم این قرار به ما (حساب این بنامه) جز بهت بگر در هر کورده
ص ۱۰۰ بدست عمده ایران مبلغ در ۱۰۰ نفر نوزاد حقوق خود را بدین اهل و اهل
در کت عمده ایران کبر در نوشته) اهل دنیا در هر دست اهل خود میسر داند
ترتا در این بنامه در در فریبه کور سفارت امر بطور ایران قمر از دراز
شماره ۱۰۰ در هر فرور حساب این قمر را در هم قمر و این



توپا تبصره
در هر کورده
در بغداد
نصرت ششم
این قرار به ما

شماره سند: ۱۳۰

فرستنده: —

گیرنده: —

موضوع: قرارنامه مربوط به تأسیس بانک آلمانی در ایران

تاریخ: ۱۳ جمادی الاخر ۱۳۲۵ هـ ق مطابق با ۴ ژوئیه ۱۹۰۷

متن سند:

۱۳۲۴

بر وفق قرارداد هشتم جمادی الاول مطابق اول ژوئیه ۱۹۰۶ موشح به دستخط شاهنشاه رضوان آرامگاه مظفرالدین شاه که به مضمون آن دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران اجازه داده است که یک بانک آلمانی یا شرکتی از سرمایه داران آلمانی که سفارت امپراطوری آلمان مقیم طهران او را تصدیق کرده باشد بانکی در ایران تأسیس نماید. لهذا در اینموقع که سفارت آلمان دویچ اوریانت بانک اگتسین کزل شافت (بانک شرقی آلمان شرکت آنونیم) مقیم برلن را به دولت علیه ایران معرفی می نمایند مذاکرات لازمه قبل از انقضاء مدت مقرر در قرارداد مذکور در طهران شروع شده فصول ذیل تشریح آن قرارداد مقرر می گردد.

فصل اول، دولت اعلیحضرت شاهنشاهی به موجب قرارداد حاضر به دویچ اوریانت بانک اگتسین کزل شافت مقیم برلن که نماینده آن مسیو هربرت گوتمان مدیر کل بانک مزبور است اجازه می دهد که در مملکت ایران بانکی تأسیس نمایند که اقلأ دارای دو کروور تومان سرمایه باشد. این قرارداد تامدت چهل و پنج سال (۴۵) از روزیکه قرارداد حاضر به امضاء می رسد برقرار خواهد بود و بانک مزبور می تواند در سایر شهرهای ایران شعبات تأسیس نماید. مرکز بانک مزبور در ایران در دارالخلافه طهران خواهد بود.

فصل دوم، بانک آلمانی اجازه همه قسم معاملات نقدی و تجارتنی دارد چه از برای خودش چه از برای غیر مشروط بر اینکه هیچ یک از این معاملات مخالف عهدنامه ها و قوانین

مملکتی و مذهبی ایران نباشد. بانک متعهد می‌شود که بروات دولتی را که به عهده خود بانک حواله نشده است نه تنزیل کند و نه به اعتبار آنها مساعده به صاحبان آنها بدهد.

فصل سیم: در صورتیکه یکی از اتباع دولت علیه ایران قرضی از بانک آلمان کرده و در مدت ششماه بعد از انقضاء موعد وجه آنرا پرداخته باشد، در این حال دولت علیه شخص مدیون را در صورت تمکن ملزم خواهد کرد که مطالبات بانک را به انضمام تمامی محارج آن به بانک به پردازد. در صورتیکه امر به عرّ ما منجر شود بانک نسبت به سایر ذوی الحقوق که مطالبات آنها به ثبوت رسیده باشد ترجیح و تقدیم نخواهد داشت.

فصل چهارم، دولت علیه ایران عده سرباز موسومه را برای قراولی مرکز و شعبات بانک آلمانی خواهد داد.

فصل پنجم، بانک آلمانی مجاز است که مبل و ضروریات دفتری که برای مرکز بانک و سایر شعبات خود لازم داشته باشد در نوبت اول بدون گمرک وارد نماید.

فصل ششم، مادامیکه آوردن نقره و سکه کردن آن آزاد است بانک آلمان در مدت این قرارنامه در آوردن نقره و دادن به ضربخانه برای سکه مجاز است و در صورتیکه دولت قانون تازه در این باب وضع نماید بانک آلمانی هم در حکم سایر بانکها خواهد بود.

فصل هفتم، در صورتیکه ما بین دولت علیه و بانک آلمانی اختلافی ظاهر گردد، هر یک از طرفین یک یا دو نفر حکم اختیار خواهند نمود که حکم ایشان قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین حکمهای مزبوره معزی الیهیم یک نفر را اختیار کرده بهر طرف رأی داد همان قاطع خواهد بود.

فصل هشتم، دویج اوریانت بانک اگتسین کزل شافت متعهد می‌شود که بانک را در ایران در مدت دو سال از تاریخ امضاء شدن این قرارداد باز نماید و بانک وقتی مفتوح خواهد بود که اداره در طهران تشکیل داده باشد و سرمایه مذکور در فصل اول پس از انقضاء مدت یکسال نقداً تحویل اداره بانک داده شده باشد. اگر بانک آلمانی این تعهد را در مدت مذکوره بجای نیاورد این

قرارداد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

فصل نهم: بانک آلمانی متعهد است که در معاملات خود اکثر از صد دوازده فایده نگیرد.

فصل دهم، در صورت تقاضای دولت بانک آلمانی حاضر است برای دولت علیه تأدیة

هر گونه وجوهی را در خارجه بعمل بیاورد بدون آنکه حق العمل مطالبه نماید.

فصل یازدهم، دولت علیه ایران حق دارد سالی یک نوبت به توسط وزیر تجارت یا

معاون او یا حضور مدیران بانک کن اعمال بانک را ملاحظه نمایند.

فصل دوازدهم، اینورقه قرارنامه در طهران در نخستین نوشته شده یک نسخه از آن بر

حسب امر مقدس ملوکانه به مهر وزیر تجارت و وزیر امور خارجه و نسخه دیگر به امضاء مسیو

هربرت گوتمان نمایند. دویچ اوریانت بانک و تصدیق سفارت المان مقیم طهران رسیده است.

فصل سیزدهم، در مورد لازمه مدلول عبارت فارسی این قرارداد معتبر خواهد بود.

فصل چهاردهم، نخستین مزبور تین در طهران بتاریخ چهارشنبه سیزدهم شهر

جمادی الاخری یکهزار و سیصد و بیست و پنج هجری مطابق بیست و چهارم ژوئیه (۱۹۰۷)

یکهزار و نهصد و هفت میلادی مبادله گردید.

Grundes der mit der Ratifikation
 Kaiser Majestät Kuraffen. ed- den
 X. des Kaiserlichen Dekretes vom
 8. Djemadi el ewel 1324 (1. Juli 1906),
 durch welche die Regierung Kaiser
 Majestät das Recht genehmigt hatte,
 dass eine deutsche Bank oder eine
 deutsche Gesellschaft von deutscher Seite
 welche sich von der deutschen deutschen
 Gesellschaft in Teheran ausführen
 werden würde, eine Bank in Teheran
 gründe, errichte, errichte, deutsche
 Bankbau A.G. in Berlin von der
 deutschen deutschen Gesellschaft der
 deutschen Regierung vorgestellt war.
 dass es sich würde die nötigen
 Bestimmungen vor Ablauf der
 des deutschen Dekretes fest-
 gesetzten Frist in Teheran stattfinden.
 Das folgende folgende Gesellschafter-
 ungen in Ausführung der deutschen
 Dekretes vereinbart:

بر ذوق قرار داد ششم جمادی الثانی مطابق مرسوم ۱۹۰۶
 شرح به خط است. ضمن درگاه نظر بدین شرح در ضمن آن است
 این حضرت شاه ایران اجازت داده است که یک بانک آلمانی
 در سرمایه دارن آلمانی بفارست بر طرف ایران بتم کلان
 تصدیق کرده باشد بنا در این تمبر بماند در مجموع
 سعادت آن خرج اداریت بانک همین ازل شد
 (بانک شریه آن شرکت از نام ایتم برین را بدست
 مؤرخه در این مدت در زیر تمبر از تقضای است
 مرکز در طهران شروع شد. حضور وزیر در شرح آن قرار داد
 معتمد کرد

Art 1. Die Regierung P.M. des Kays
 gibt die folgenden Bedingungen
 der künftigen Einreise K. G. in
 Berlin, unter der die General-
 Direktor der preussischen Eisenbahn
 Herr Robert Gutschmann die Ausführung
 eines Eisenbahnsystems zu bewerkstelligen,
 deren Länge sich auf 2 Kurze
 Tausend Kilometer soll. Dieses System
 soll über einen Zeitraum von 45
 Jahren - von dem die Verantwortlichkeit
 der Regierung übertrifft werden.
 Die Eisenbahn soll in der nächsten
 nächsten Zeit in Betrieb genommen,
 jedoch soll sich die Ausführung der
 preussischen Eisenbahn in Berlin befinden.
 Art 2. Die künftige Einreise hat
 die Zeitdauer zu einem Jahr von
 Geld- und Eisenbahnsystemen. Sie
 sollen sich selbst für sich selbst
 unter der Bedingung, daß keine
 Einreise in die Eisenbahn stattfinden
 die Eisenbahn und Eisenbahn des Reichs.

فصل پنجم در خصوص تجارت و بازرگانی

در باب تجارت کربل شرف بقوم برین کنیزه این سو

در باب تجارت کربل شرف بقوم برین کنیزه این سو

بسیار نماند در وقت دار کردن تومان سرمایه این

قرارداد تا مدت چهارم خیال از روزگار و در همراهی

برقرار خواهد بود و با یک روز در تهران در این شهر

تایس نماید مرکز با یک روز در تهران در این شهر

فصل ششم در باب تجارت و بازرگانی

دارد که در هر شهر و با غیر شهرها یک در تمام

مخالف خواهد بود در تمام مملکت و نه بهر این باشد

und der Religion Freiheit. Der
 Staat verpflichtet ist, solche Freiheit
 der Regierung. Sie weist auf die
 Staat selbst ergangen sind, und die in
 Abkündigung auf dem Tugend vor.
 Gilt auf die Weise zu geben
 Art. 3. Keine ein gesetzte Freiheit
 von der dritteln Antheil Geld
 geliehen und die Schulden in 6
 Monaten nach Fälligkeit nicht bezahlt
 hat, so wird die dritteln Freiheit Regierung
 der Schulen. falls er solches ist zur
 Zahlung der Schulden nicht
 leisten können die Staat zu
 den alle das ist eine Antheil
 kommt. hat die Staat vor der
 übrigen Gläubigern, diese
 vorsehen müssen sind kein Vorzugrecht.
 Art. 4. Die dritteln Freiheit Regierung
 wird die zum Nutzen der Antheile
 und der Filialen der Staat nötigen
 Zahl von Angehörigen haben.

در این مورد که در مورد دولت است

در این مورد که در مورد دولت است

فصل ششم در مورد که از اتباع دولت است

آن که در دولت شاه بعد از تقاضای مردم بر آن پرداخت

در این مورد که در دولت است

بابت این مقام که در دولت است

شود بابت این که در دولت است



ترجمه مقدم خواهد شد

فصل ششم در مورد که از اتباع دولت است

در این مورد که در دولت است

Art. 5. Die Deutsche Botschaft hat das Recht der ausschließlichen gold- und silberne die Zirkulation und die Filialen nötigen Möbel und Einrichtungsgegenstände

صیغہ ایک ہائی جی زیت کہ نبر ضرورت دقری کہ

بار مرکز بانک در ریعت خود لازم دہشتہ بند در وقت اول

Art. 6. Solange die Kaiserliche Regierung von Klerik in Kaspian frei ist, ist die Botschaft für die Kaiserliche Hofhaltung das Recht Silber einzuführen und in der Münze prägen zu lassen. Falls aber die Kaiserliche Regierung in dieser Materie nicht Befehl erteilen sollte, so wird die Deutsche Botschaft das nötigen Silber gleichfalls frei.

برون کرک دارد نام

صیغہ ماد ایک آوردن نقرہ و سکہ کردن این آزاد است

مان در دست بقرار نہ آوردن نقرہ و دادن بقرار بقراری

Art. 7. Falls zwischen der Kaiserlichen Russischen Regierung und der Deutschen Botschaft Streitigkeiten entstehen sollten, so werden zu ihrer Beilegung beide Teile zu rufen oder zum Schiedsrichter bestellt, deren Entscheidung unanfechtbar sein wird.

کہ جی زیت در صورتیکہ حرت قانون تان در بنجاب وضع نہ ہو

نہانی ہم در حکم سایر بانگہا خواهد بود

صیغہ در صورتیکہ مابین حرت علیہ بانک ہائی جی ختہ نہ کہ

یک از طرفین یک یا در تو حکم فیما خواندہ نمودہ حکم ایشان قاطع

بود در صورت عدم توافق بین حکما مزبورہ ہمراہ ہم یک نفر را

Im Falle der Unmöglichkeit der
Richter werden diese neuen Oberichter
wählen, dessen Entscheidung alsbald
unabhängig sein wird.

به طرف داد بان تابع خواهد بود

فصل ششم
در بیان ترتیب و نحوه رسیدگی
در این دادگاه

Art. 8. Der deutsche Konsulart in G.
ausgesendet sei, die Rechte im Prozess
zwischen Japan, nach Artikel der
Vertragsbestimmung durch Vertrag mit
Japan, zu wissen. Die Rechte
mit dem als bekannt gelten,
wenn eine Abweichung in Fehreran
ausgesendet ist und das in Artikel 1
ausgesendet Artikel aus Artikel
aus Artikel der ausgesendeten Ver-
mittlung übertragen werden ist
Legation die Rechte der Auslieferung

بانک داد بان در مدت حوال از تاریخ بفرمان بن قرار داد

بفرمان داد بان که در تاریخ خواهد بود در این دادگاه

سرمانه مذکور در فصل پنجم از تقاضای یک ل نقدی خواهد بود

بانک داد شده به هر بانک آن در بن نموده در مدت مذکور

نیاز در این قرار داد از درجه بن قرار داد خواهد بود

in der ausgesendeten Zeit nach, so enthält der
gegenwärtigen Vertrag seine Gültigkeit.

فصل هفتم
در بیان نحوه رسیدگی در دعاوی
در این دادگاه

Art. 9. Der deutsche Konsulart ist verpflichtet,
in Japan alle 12. Monat bei seiner
Legation zu erscheinen

حوازه فایده بگیرد

Art. 10. Der deutsche Konsulart ist berechtigt,
auf Verlangen der Regierung für

فصل هشتم
در صورت تقاضای دولت بان در این دادگاه

Die Kaiserliche Preussische Regierung alle
Akte von Gesandten im Auslande
oder Befehlungen ohne Ratifikation zu bewirken.

Art. 11. Die Kaiserliche Preussische Regierung
hat die Kraft, durch ihre Gesandten
oder ihre Bevollmächtigten überall im
Auslande Gesandten der Mächte des
Bundes zu ernennen.

Art. 12. Die gegenwärtige Vertretung
ist in Teheran in 2 Exemplare aus-
gegeben worden, von denen das eine
im Kaiserlichen Auswärtigen
Geschäftsbureau und Minister des
Auswärtigen gegeben, das andere
von dem Herrsch. Geheimen
Rat der Preussischen Provinzialregierung
in Berlin unterzeichnet und von
der Kaiserlichen Preussischen Gesandtschaft in
Teheran beglaubigt ist.

Art. 13. Die Kaiserliche Regierung hat für
die Rückgabe des Originals der
Preussischen Festschreiben zu
sorgen.

Art. 14. Die vorstehende Vertretung =

حکومت عمده تا دین هر گونه در جواب در فرمان معبر باید در این



حق معبر مطالب

فصل یازدهم
حکومت عمده اطلاع دارد که یک وقت بر ملا

وزیر تجارت یا معاون او با حضور مرین بانکر محال باشد

فصل شانزدهم
این وقت در این مورد در طهران در سخن در شده است

از آن جهت بر مفسر موقوفه بهر وزیر تجارت و وزیر امور خارجه

دیگر بهضا میسر است که آن نماند و هیچ ادوات باشد

و تصدیق تجارت آن مقام طهران رسیده است

فصل سیزدهم
در موارد مذکور در اول عبارت مندرج در این

نسخه‌های موجود در این کتابخانه
مجموعه‌های

نگارخانه شد در میانه، در
۱۳ جمادی الاخره ۱۳۲۵ در کتبخانه

۲۴ جولای ۱۹۰۷ در سفیرخانه
مجلس در تهران
تاریخ شده.

۱۳۲۵
نسخه‌های موجود در این کتابخانه
مجموعه‌های

۱۹۰۷
نسخه‌های موجود در این کتابخانه
مجموعه‌های

Handwritten Title

فردی که در این کتابخانه
موجود است در
کتابخانه

Tehran, am 24. Juli 1907.

Der Kaiserlich Russische Gesandte
und Generalkonsul a. i.:

Stenzel.



شماره سند: ۱۳۱

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: در باب وکیل نماینده‌های کارخانجات رنگ آلمانی در کرمانشاهان

تاریخ: صفر ۱۳۳۰ هـ ق

نمره: ۹۲

متن سند:

یادداشت

سفارت امپراطوری آلمان به وزارت جلیله امور خارجه انقاد می‌دارد، ترجمه مکتوب جوابیه را که از طرف این سفارت بعنوان مسیو پوژان^۱ نماینده کارخانجات رنگ آلمانی در کرمانشاهان ارسال شده، مکتوب فوق در جواب استدعای مشارالیه است، که دو نفر وکیل او در همدان در تحت حمایت دولت آلمان قبول شوند. این سفارت امپراطوری از وزارت جلیله امور خارجه کمال امتنان را خواهد داشت، که به ادارات محلی همدان حکم صادر گردد، که مشارالیهما وکیل نماینده‌های تجارتخانه‌های آلمانی هستند.

[حاشیه]:

- اداره دول غیر محاوره

شماره سند: ۱۳۱ مکرر

فرستنده: شارژدفر آلمان

گیرنده: مسیو پوژان

موضوع: در باب وکلای نماینده‌های کارخانجات رنگ آلمانی در کرمانشاهان

تاریخ: ۱۸ فوریه ۱۹۱۲

متن سند:

ترجمه ملفوفه

در کرمانشاهان، آقای مسیو پوژان^۱، برحسب فصل ۲۳ دستورالعمل دولت فخریه آلمان راجع به اعطای حمایت آلمان جنابعالی مجاز و محق می‌باشید که در قلمرو این سفارت امپراطوری و این قونسولگری امور خودتان را در تحت حمایت دولت آلمان به توسط وکیل و نماینده خود به موقع اجرا بیاورید. لهذا آن دو نفر آقایان مسیو هف سفیانس و سهراب که در همدان وکیل‌های شما می‌باشند فقط در اموری که راجع به آن کارخانه آلمانی باشد از حمایت این سفارت امپراطوری بهره‌مند خواهند بود ولی در اموری که شخصی و مختص به خودشان باشد ابدأ در تحت این حمایت نمی‌باشند و در باب برافراشتن بیدقها در مواقع خطر حرفی ندارم. در صورتیکه بر حسب رسم آن برافراشتن نسبت بمراتب حمایت فوق‌الذکر اسباب اشتباه نگردد.

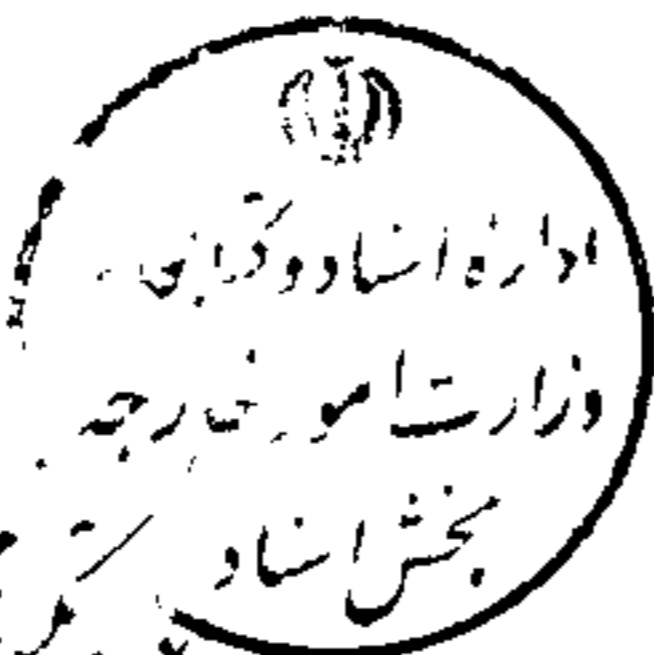
شارژدفر

Kaiserlich
Deutsche Gesandtschaft
für Persien.

Teheran, den ۱۳۳۰

Teheran.

No. ۹۲



یادداشت

محذرت امپراطور المان نورارت صلیه امر فارمیه افادیه الیومیه
ن

که در طرفت این محذرت معین سید پوران نمایندگی کارجات
ن

ارسال شده کتوب فوق در جوابیه
ن

در تحت مرات المان قبول شمن این محذرت امپراطور نورارت
ن

کمال المان را تمام دولت به ادارات عملی مه ان علم صادر نموده
ن

دیگر نمایندگی؟
ن



دستور
مخبره

لمران ۸ فروردین ۱۹۱۲



درکتابخانه

آقای میرزا پورخان

المال

کتابخانه

شماره ۲۳

برفصل ۲۳

در این

اینجا

ساده

و نقطه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

و کلمه

رابع علی صاحب الامان خا با له سجاد و محسن میباشد که در علم و این عفت از این
 امر خفایان را در تحت حمایت دولت الامان بسط و بید و امنیت خود عرق ابرو و در امر که
 آن حضرت آفایان میرزا مهناقیس و سهراب نه در میدان و کلمه و کلمه
 رابع بیان کارخانه الامان باشد از طریق این عفت از این امر که خواهند بود
 شخص مخفی نگه داشتن باشد ابد در تحت این حمایت نهی شده و در باب برادران
 در مواقع خطر عزم ندانم در صورتی که بر حسب رسم آن برادران نسبت به امر است

آب سنباه کزور

ساز روز

شماره سند: ۱۳۲

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: در باب میزان تبدیل مسکوکات طلای آلمانی به پول ایرانی

تاریخ: ۱۵ ژوئن ۱۹۲۱

نمره: ۲

متن سند:

حضرت مستطاب اجل آقای محترم السلطنه وزیر امور خارجه

نظر به تقاضای دولت متبوعه خواهشمند است، از وزارت مالیه تحقیق فرمایند، که در

۱۹۲۰ چه مقدار از مسکوکات طلای آلمان در ضرابخانه تبدیل به مسکوکات طلای ایران یا به

شمش شده، و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند.

مراتب احترامات ...

زمره ۱، شارژ دافر آلمان

درباره وزارت شریعت

سازمان

امیدواریم بحسن و کفایت تعداد طلبه که در این وزارت شریعت
در سال گذشته در این وزارت شریعت

حرف در این وزارت شریعت که در صدر جدول آن گاه مورد نظر
بود و در این نیز درگاه شریف آن است که در این وزارت شریعت

در آنکه در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت

در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت

در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت

در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت

در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت

در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت
در این وزارت شریعت که در این وزارت شریعت



شماره سند: ۱۲۸

فرستنده: —

گیرنده: —

موضوع: سواد قرارنامه تجسس و انکشاف نقاط طلادار کاوند خمسه

تاریخ: جمادی الاول ۱۳۱۷ هـ ق

متن سند:

قرارنامه

فیمابین دولت اعلیحضرت اقدس شهریاری ایران ادام‌الله سلطنته و مسیو (کودروسکی)^۱ تبعه دولت فخمه آلمانی با شریک خود میرزا محمد علی پسر مرحوم حاجی معین‌التجار رشتی تبعه ایران شرایط و معاهدات ذیل مقرر و امید که به خوبی در موقع اجرا گذاشته شود.

(فصل اول)

دولت اعلیحضرت شهریاری ایران اجازه تجسس و استخراج نقاط طلادار و یا خاک طلادار را در ایالت خمسه در محلی که موسوم است به کاوند و از اطراف تا پنج فرسنگ به مسیو کودریزکی و میرزا محمد علی اعطا و مرحمت می‌فرماید. مسیو کودریزکی با شریک خود میرزا محمد علی می‌توانند در کمال آزادی در اراضی بایر که خالصه و متعلق به اعلیحضرت شهریار است تجسس و تحقیقات نمایند اما در اراضی محصوره و همینطور در اراضی که متعلق به رعایا است حق ندارند تجسس به عمل آورند، مگر پس از اطلاع هشت روز اقل و یا دادن یک مبلغ وجه‌الخساره به مالک آن اراضی که معادله نماید خواه با قیمت ابنیه و خواه با اشجار و حاصلی که در آن اراضی می‌باشد و در صورت اختلاف یا نزاع تعیین وجه‌الخساره از طرف دولت علیه خواهد گردید و دولت علیه مراقبت خود را در اجرای کارهای لازمه معمول

خواهد داشت ولی مساجد و اماکن مقدسه از حوزه این امتیاز خارجند.

(فصل دوم)

تمام مخارج تجسسات و تفتیشات و سایر مخارج همینطور مصارف استخراج معدن در عهده صاحبان امتیاز خواهد بود و صاحبان امتیاز تمام مخارج و مصارف یومیّه را روز به روز در دفتر مخصوص ثبت و ضبط خواهند کرد و این دفتر باید تمام اوراقش موشح به امضای جناب جلالتماب وزیر معادن باشد و همچنین باید ماهی یک سواد دفتر محاسبات خودشانرا برای جناب وزیر معادن به فرستند.

(فصل سیم)

دولت اعلیحضرت شهریاری اجازه انحصار و استخراج و استکشاف و انتخاب کردن نقاط طلادار را به صاحبان امتیاز مطابق شرایط مقررّه ذیل در ناحیه سابق الذکر اعطا می فرماید. اولاً به محض استکشاف یک محل طلادار بهر قسم که باشد صاحبان امتیاز فوراً به توسط یک راپورت مفصّلی و یا دو صفحه نقشه آن محل اطلاع رسمی به دولت علیه ایران به دهند و اگر تخلف نمودند مبلغ یک صد هزار قران به عنوان جریمه به دولت علیه خواهند داد و آن راپورت باید لااقل پانزده روز بعد از انکشاف آن محل به طهران به رسد و صاحبان امتیاز می باید در راپورت خودشان مشروحاً اطلاع بدهند که آیا این محل قابل استخراج هست یا خیر همینطور با تفصیل مقاصد خودشان در خصوص استخراج آن محل مکشوفه.

ثانیاً صاحبان امتیاز قبل از استخراج معدن خواه از حیث شستن خاک طلا یا بیختن خواه از حیث عمل یدی هر چه باشد باید یک وجه الضمانه که عبارت باشد از ده هزار تومان یا اشرفی یا قران رایج ایران به دولت علیه ایران بدهند که آن مبلغ باید بعنوان وجه الضمانه از بابت ادای حقوق دولتی که بعد ذکر می شود و همچنین از برای درستی اجرای فصول این قرارنامه در نزد دولت علیه باشد. ثالثاً صاحبان امتیاز یک حقی که عبارتست از نصف دخل خالص معدن

مستخرجه بدولت علیّه خواهند داد و ادای آن حقوق باید در طهران بعد از پانزده روز در آخر هر ششماه کرده شود. رابعاً از برای وجه الضمانه فوق الذکر مراتب منظر خواهد شد از قرار صد شش که در آخر هر سالی یا دستی به صاحبان امتیاز داده می شود و یا اینکه آن منفعت را از مبلغ حق دولتی کسر کرده بقیّه را به دولت علیه خواهند پرداخت.

خامساً وجه الضمانه در آخر مدت امتیاز به صاحبان امتیاز داده خواهد شد و یا سه ماه بعد از اینکه صاحبان امتیاز متارکه عمل استخراج خود را به دولت علیّه اطلاع دادند و در آن صورت باید که تمام اسباب و آلات استخراج معدن از خورد کردن و بیختن و شستن و سایر بکلی از آن محل برداشته شده باشد.

سادساً در صورتیکه صاحبان امتیاز از شرایط این قرارنامه حاضره کوتاهی نموده و مخصوصاً از اینکه معادن مکشوفه جدید را در هنگامش اطلاع ندهند و یا اینکه در ثبت و ضبط محاسبات خودشان بکلی و جزئی نقصان نمایند وجه الضمانه مزبوره به دولت علیه تعلق خواهد گرفت.

سابعاً صاحبان امتیاز می توانند فوراً پس از دادن وجه الضمانه شروع به عمل استخراج نمایند و دولت علیّه یک نفر مأمور یا چندین مأمور خواهد فرستاد برای تحقیقات عمل استخراج و همچنین در خصوص محاسبات و دخل و خرج آنها بدون آنکه آن مأمور و یا مأمورین حق داشته باشند که در کارهای راجعه به استخراج مداخله نمایند موجب مأمور اول در ماهی صد تومان در اول شروع به کار تعیین شده بعدها بر آن مبلغ افزوده خواهد شد بهمچنین هر گاه اهمیّت عمل استخراج اجازه بدهد موجب یک نفر مأمور ثانوی به اطلاع و صوابدید طرفین معین و داده خواهد شد و مبلغ مواجبها در جزو مخارج عمومی محسوب خواهد گردید و در صورت پرداختن آن مواجبها آن وقت تمام وجه آن مواجبها به انضمام صدی بیست علاوه حق دولت خواهد بود و دولت آن مبلغ را از وجه الضمانه فوق الذکر خواهد داشت. ثانیاً تمام نوشتجات و محاسبات این کار چه در خصوص استخراج معدن و چه در

خصوصاً ثبت دفتر باید در دفتری که اوراق آن موشح به امضای جناب وزیر معادن یا مأموریکه از جانب ایشان است باشد.

(فصل چهارم)

دولت علیه ایران متعهد می‌شود که مراقبت خود را در تسهیل امورات به انکشاف و استخراج صاحبان امتیاز مضایقه نکرده، در تحت حمایت خود اطمینان بدهد که در حدود محدوده مذکوره فوق صاحبان امتیاز در کمال آزادی بتوانند تجسس و تحقیقات نمایند و احکامات و اقدامات لازمه در این خصوص از طرف زئی‌الجوانب در موقع لزوم داده و کرده خواهد شد.

(فصل پنجم)

عملیات تجسس و استخراج معدن بهیچوجه مانع از عمل فلاحت و آبیاری دهات نخواهد توانست شد.

(فصل ششم)

صاحبان امتیاز می‌توانند در این خصوص تحصیل شرکا نمایند مشروط بر آنکه فوراً به دولت علیه اطلاع بدهند. ولی صاحبان امتیاز حقوق خودشان را بدون اجازه دولت علیه به احدی نمی‌توانند واگذار یا بفروشند.

(فصل هفتم)

مدت این امتیازنامه حاضره عبارتست از بیست پنج سال که از ابتدا تاریخ امضای این قرارنامه محسوب خواهد شد. مع هذا این امتیاز پس از دو سال از درجه اعتبار ساقط خواهد

بود. اگر چنانچه صاحبان امتیاز در این مدّت دو سال معدنی انکشاف نکرده وجه الضمانه مذکوره در فصل سیم را پرداخته باشند.

(فصل هشتم)

در صورت نزاع و گفتگوی راجعه به اجرای این قرارنامه حاضره با به حکمیت دو نفر حکم که یک از طرفین تعیین شده باشد این مسئله تسویه خواهد شد و در صورت عدم اتفاق آندو نفر حکم تعیین حکم دیگری خواهند نمود و اگر در تعیین حکم دیگر اتفاق ننمودند در آن وقت انتخاب آن حکم به استصواب حضرت مستطاب اجل اشرف صدارت عظمی مدظله و جناب فخامت نصاب وزیر مختار آلمان خواهد شد.

فصولی که پس از مذاقه از وزارت معادن افزوده شده.

(فصل اول)

عموم کارگران و عملجات انکشاف از تبعه دولت علیه ایران خواهد بود مگر معلمین و اشخاص کارگر علمی که از خارجه می باشند و در صورتیکه از تبعه دولت علیه ایران به درجات کارگران علمی متدرجاً نایل شوند البته مستخدم داشتن آنها بجای تبعه خارجه مرجح خواهد بود.

(فصل دوّم)

صاحبان امتیاز متعهد می شوند اولاً در صورتیکه عیار ماهانه معدن بیک چهل هزار $\frac{1}{40000}$ برسد فوراً به دولت علیه ایران اطلاع بدهند ثانیاً هرگاه ان عیار در مدّت سی روز متوالی از حدّ مزبور تجاوز نماید یعنی باید در سنگ و شنی که در مدّت یک ماه از معدن استخراج شد امتحان بعمل آید و هرگاه بر روی هم در شصت و دومن نیم تیریز سنگ یا شن

طلادار زیاده از یک مثقال طلا یافت شود صاحبان امتیاز تعهد می نمایند که معدن مزبور را بدون هیچگونه وجه الخساره به دولت علیّه واگذار نمایند. در این صورت دولت علیّه باید آلات و ادوات صنعتی و ابنیه و غیره صاحبان امتیاز را بدون استثناء به قیمتی که دو نفر ممیز معین نمایند از آنها خریداری نمایند و هرگاه اختلافی در برآوردن آن قیمتی که آن دو نفر ممیز معین نموده اند بشود ممیز ثابتی به موجب شرایطی که در فصل هشتم فوق معین شده است تعیین خواهد گردید و بعوض حق الزحمه و خسارت انکشاف آن معدن که به صاحبان امتیاز وارد شده است دولت علیّه متعهد می شود که هرگاه عیار ماهانه از یک چهل هزارم تجاوز کرده و بخواهد معدن را ضبط کند به صاحبان امتیاز یک امتیاز جدیدی بهمین مدّت و بهمین شرایط یا برای طلاشویی رودخانه آستانه عراق که از کوه معروف بشیر مرد جاری می شود و یا برای طلاشویی در جلگه کوه زرد دامغان به میل صاحبان امتیاز اعطا فرماید.

(فصل سیم)

چون در اغلب معادن طلا فلز نقره مخلوطاً با طلا یافت می شود، دولت علیّه به صاحبان امتیاز اجازه و استخراج و فروش حاصل مستخرجه از معدن را می دهند خواه آن سنگ معدنی نقره مخلوطاً با طلا داشته باشد یا نداشته باشد ولی در صورتیکه نقره مخلوطاً با طلا یافت شود صاحبان امتیاز متعهد میشوند که فوراً به دولت علیّه اطلاع بدهند شرایطی که در فوق برای عیار معدن ذکر شده اند نه تنها بر عیار معدن طلای فقط بل بعیار طلای مخلوط به نقره بهر تناسب که باشد جاری می باشد.

(فصل چهارم)

در صورت عدم مطابقت ترجمه فرانسه با فارسی ترجمه فارسی معتبر خواهد بود.

صدراعظم

[حاشیه:]

- سواد دستخط همیون از و احنا فداه: این قرارنامه را که جناب اشرف صدراعظم با مسیو

کودروفسکی که تبعه آلمان است بسته اند صحیح است ما امضی فرمودیم. فی شهر جمادی الاول

۱۳۱۷

مراد نام
 فیمن درت علمت آریس نوز دران ادا که سرطه دیسوا کردوس
 فیحیه الیای با تریب خود برام جمع بر موم جریس الی درتس بنه ایران
 دس هرات دیس نوز دایس بر نوز در موم اجر انراست

(فصل ششم)

درت علمت نوز درانی اجندا بحسب دستمراج نط لود دروه خالط
 درایست غم در موم است بجا نوز در اطراف نوز در
 دیزرا مجمع دعط و ممت میفر بر میس کو در زک با تریس خود نوز در مجمع
 در طول در لوی در در انصر به زه خالصه دستس بحسب نوز درت بحسب
 و کتبات نوز در انصر در لراضی محصوده و منظر در لراضی کم دستس بر عا
 حق نوز در نوز درت بهر در نوز در کس از اطراف نوز در انصر
 یک موم نوز در نوز در انصر در لراضی در موم دله نوز در خواه
 به اسب روح در انی دراضی در نوز در درت اشرف نوز در

و به نجوه از طرف دولت علیه خواهد بود و صورت علیه مراتب خود را
در اجرای کالای لازم معمول خواهد داشت و لایحه مربوطه را که منتهی در خواست

این ایجاز خارج شد

(فصل دوم)

تمام فروع بحسب وقت و تعینت و سایر فروع منطبق بر مصارف است
در عهد محاکم این خواهد بود و صاحبان ایجاز تمام فروع و مصارف
روز بر روز در دفتر مخصوص ثبت و ضبط خواهد کرد و این دفتر تمام ادوار
به معنای محاکمات وزیر معادن باشد و همچنین به هر یک خواهد بود

خوشتر برای جاب وزیر معادن نفر ششم

(فصل سوم)

در تمام معینت هر روزی اجازه انحصار و دستمزد و اجرت
که در نظر طاعت داده شده است این از مطالبی است که باید در هر
موردی در نظر گرفته شود

اعطای منفرجه

